

تأثیرات جنگ جهانی دوم در وضعیت اجتماعی - اقتصادی خراسان

هادی وکیلی^۱

شادی حاجی‌زاده سعدآباد^۲

نازنین حاجی‌زاده سعدآباد^۳

نوع مقاله: علمی- ترویجی

شماره صفحه: ۱۲۱-۱۴۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۵

چکیده

هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی دوم، ایران بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلان کرد؛ اما دولت‌های متفق با بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران، در شهریورماه ۱۳۲۰ به ایران وارد شدند. این جنگ همان‌گونه که در اروپا سبب تحولات و زیرورویی اوضاع اجتماعی و اقتصادی شده بود، به حوادث و دگرگونی‌هایی در ایران و بویژه در خراسان نیز منجر گردید. خراسان به دلیل جایگاه ویژه نظامی و داشتن مرز مشترک با شوروی، مورد توجه دولت‌های متفق قرار گرفت که به نفوذ هرچه بیش‌تر نیروهای انگلیس و شوروی در خاک این منطقه انجامید و پیامدهای بدون جبرانی نیز به همراه داشت. هدف اصلی این مقاله، بررسی پیامدهای جنگ جهانی دوم بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی خراسان می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. این

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد Vakili355@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد. نویسنده مسوؤل sh.haji1372@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد n.sadabad.1377@gmail.com

نوشتار، در پی یافتن پاسخ این پرسش است که اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم، چه تأثیری بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم خراسان داشته است؟ به نظر می‌رسد اشغال ایران، موجب افزایش مشکلات و نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی خراسان شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از اشغال ایران، ناهنجاری‌های اجتماعی و شرایط نامناسب اقتصادی از جمله راهزنی، اعتیاد، ناامنی، گسترش بیماری‌های گوناگون و گرانی در سراسر استان‌ها رشد چشم‌گیری و محسوسی یافته است. وجود این مشکلات و نابه‌سامانی‌ها، خود معلول عواملی گسترده می‌باشد که در این نوشتار به آن‌ها اشاره خواهد شد. تاریخ‌نگاران، همواره در پژوهش‌های تاریخی خود، جنگ جهانی دوم را با نگاهی سیاسی یا نظامی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در حالی که آسیب پیامدهای این جنگ به بدنه اجتماعی و اقتصاد جامعه آن روز ایران، بسیار بیش‌تر بوده است.

واژگان کلیدی: خراسان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنگ جهانی دوم، متفقین

مقدمه

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش.، با حمله آلمان به لهستان آغاز شد و تا سال ۱۹۴۵م. ادامه یافت. دولت ایران هم‌زمان با آغاز جنگ، اعلام بی‌طرفی کرد اما با گستردگی مرزی ایران و شوروی و اهمیت خراسان برای انگلیس و روس برای نیروهای متفق، حضور آنان در ایران ناگزیر شد؛ و سرانجام دو کشور انگلیس و شوروی به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران، کشور را به اشغال نظامی خود درآوردند.

پژوهش‌های تاریخی همواره جنگ جهانی دوم و تأثیرات آن را از دیدگاه سیاسی مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ اما مسایل اجتماعی و اقتصادی، هرگز از سیاست جدا نیست. دولت‌های استعمارگری چون انگلیس و شوروی نیز از طریق چیرگی بر دیگر کشورها و ناتوان کردن ارکان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها توانسته‌اند به اهداف و مقاصد سیاسی خود دست یابند.

اشغال ایران عوارض و پیامدهای گوناگونی چون گرانی، افزایش فقر، ناامنی و خرابی اوضاع بهداشتی را به همراه داشت. استان خراسان نیز که در شمال شرقی ایران واقع شده، از این عوارض و پیامدها مصون نماند. طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۶ ش.، مشکلات بسیاری به این استان پهناور هجوم آورد و موجب ناکارآمدی بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی شد.

چیستی و چگونگی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم برای استان خراسان، پرسشی است که نگارنده با روشی توصیفی، تحلیلی و به شیوه گردآوری اطلاعات از راه گفت‌وگو و مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مطبوعات استان قدس رضوی در پی پاسخ بدان خواهد بود.

پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب و مقاله‌ای نتوانسته در خصوص پیامدهای جنگ جهانی دوم بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی خراسان طی سال‌های اشغال (۱۳۲۰-۱۳۲۶ ش.) مطالب مرتبط با محتوای این مقاله را پوششی فراگیر دهد؛ باین حال، برخی از کتب و پژوهش‌ها اشاراتی کوتاه و پراکنده به این مسأله داشته‌اند.

الهی (۱۳۸۰) در کتاب *روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان*، اشاره‌ای کلی به رقابت بین انگلیس و روس در ایران و مشکلات اجتماعی و اقتصادی آن کرده است. استوارت^۱ (۱۳۷۰) نیز در کتاب *آخرین روزهای رضاشاه* توضیحاتی را در مورد ورود نیروهای شوروی به ایران، و جلالی در کتاب *تقویم روزشمار ایران*، اطلاعات درخوری از چگونگی ورود ارتش شوروی به خراسان به خواننده ارائه می‌دهد. نیز جلد پنجم اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم از مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری این‌گونه است که مورد اشاره نگارنده می‌باشد.

همین پراکندگی و تکراری بودن اطلاعات موجود باعث شد تا نگارنده برای ارائه اطلاعات جزئی و دقیق‌تر وضعیت خراسان، از روزنامه‌هایی چون ندای خراسان، راستی، اطلاعات، آزادی و نور خراسان و دیگر مطبوعات نیز بهره ببرد.

1. Stewart

اوضاع سیاسی - اجتماعی خراسان

هجوم قوای اشغال‌گر متفقین به ایران، تأثیرات ژرفی بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران برجای گذاشت و آن را به یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران تبدیل کرد. اگر چه شیرینی برداشته‌شدن سایه‌ی سنگین استبداد و خفقان از دوش مردم، موجب شده بود تا آن‌ها برای مدتی کوتاه نفسی به راحتی بکشند؛ با ورود قوای روس و انگلیس، این حلاوت به سرعت و برای سال‌ها به تلخ‌کامی انجامید. در این میان، خراسان نیز مانند دیگر نواحی ایران دستخوش مشکلات بسیار گردید؛ بویژه که مورد تجاوز خشونت‌بار نیروهای شوروی قرار گرفته و بدبختی، نداری، ناامنی، دزدی، کمبود مواد غذایی و سهمیه‌بندی کالاهای ضروری مثل نان، مشکلات مردم خراسان و مشهد را دوچندان کرده بود.

«مهم‌ترین مسأله‌ای که در دوره اشغال توده‌های مردم را به رنج و تعب انداخت، مسأله قحطی نان و غله بود. این موضوع، به مرور خود را نشان داد تا آن‌جا که دولت در آغاز سال ۱۳۲۱ ش. مجبور به توزیع کوپن قند و شکر و ارزاق عمومی شد. این کمبود حتی شامل حال دولت‌مردان و رجال سیاسی گردید؛ به طوری که حسن اسفندیاری، رئیس مجلس شورای ملی، برای رفع این کمبود دستور داد در باغ بهارستان سیب زمینی و حبوبات بکارند. هم‌چنین دولت در اردیبهشت ۱۳۲۱ ش. ممنوعیت صدور حبوبات، غلات و گوشت را تصویب کرد. در مناطق دور از مرکز اوضاع نابسامان‌تر بود. چنان‌چه در خراسان به مرز قحطی رسید. از همین رو، کارگزاران حکومت مجبور به خرید غله و آرد از متفقین شدند» (محمدی و کریمی، ۱۳۹۰: ۱۲).

خراسان به دلیل جو خفقانی که در عصر رضاشاه پهلوی بر آن حاکم بود، از پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی باز ماند. در آغاز سال ۱۳۲۰ ش. و در شانزدهمین سال سلطنت پهلوی اول، هنوز بیش‌تر نقاط آن از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در انزوای نسبی به سر می‌بردند (الهی، ۱۳۸۲: ۳۸).

با کشیده شدن جنگ به مرزهای ایران و تهاجم قوای اشغال گر به خراسان، هرج و مرج گسترده‌ای در این استان ایجاد گردید. این شرایط در جامعه بدون سازمان‌های سیاسی آن زمان، مشکلات فراوانی به جا گذاشت که در پی آن، بی‌ثباتی سراسر خراسان را فراگرفت.

اگرچه جنگ جهانی دوم مشکلاتی نیز به وجود آورده بود، مردم از سقوط پهلوی اول شادمان بودند. مردم و جوانان پرشور سروده‌ها و جمله‌های طنزی را با زغال و به خط درشت، بر دیوارها و درهای چوبی خانه‌ها و دکان‌ها می‌نوشتند مانند:

«پهلوی را بردند، پسرش مانده	شمس را هم بردند، اشرفش مانده
سربازها رفتند، افسرش مانده	از لشکر شرق، دفترش مانده
روس‌ها اسب‌ها را بردند، مهترش مانده	هنگ ژاندارمری، یک کمش مانده
از پاسگاه سرخس، سردرش مانده	نظمیه‌ی بیرجند، سردرش مانده
از مسلسل‌ها تقش نقش مانده	از هواپیماها شهرش مانده»

(ماهوان، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

در پی جنگ جهانی و سقوط رضا شاه، اوضاع اجتماعی و اقتصادی خراسان نیز همانند دیگر نقاط ایران «دچار بلوا و آشوب شده بود، کمیابی ارزاق عمومی و گسترش راهزنی و آزادی عمل دزدان، تاراج سرمایه‌های اجتماعی را در ابعاد گوناگون باعث گردیده بود. استقرار روس‌ها در این استان موجب شده بود که هر روز مشکلات جدیدی بروز کند؛ بویژه آن که اختلاف پنهان بین دو قدرت جهانی آن روز، یعنی اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، از زمان‌های دیرین در مورد خراسان وجود داشت» (الهی، ۱۳۸۰: ۵۷). از این رو هریک از آنان بر آن بود تا شرایط را به دلخواه خود، دگرگون سازد.

چنان که گفته شد، سقوط رضاشاه موجب به وجود آمدن آزادی سایه‌واری در ایران گردید. در خراسان پس از حادثه مسجد گوهرشاد، روحانیون در خراسان اجازه پوشیدن عبا و عمامه و برگزاری جلسات مذهبی نداشتند؛ که با سقوط رضاشاه، دوباره «عبا و عمامه از پستوها درآمد.

فعالیت و تظاهرات ممنوع شده مذهبی از سر گرفته شد و هیأت‌های سینه‌زنی به راه افتادند» (فیاض، ۱۳۸۱: ۹۲).

هجوم نیروهای شوروی به خراسان

پس از وقوع جنگ جهانی دوم، استان خراسان به خاطر شرایط راهبردی و هم‌مرزی و همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی، در کانون توجه متفقین قرار گرفت؛ به گونه‌ای که دولت شوروی بار دیگر پس از چهار سال، اقدام به بازگشایی کنسول‌گری در مشهد نمود. چون خراسان به‌عنوان مهم‌ترین معبر برای ارسال کمک‌های متفقین به شوروی مطرح بود، این کشور (شوروی) به هر طریق ممکن در صدد کنترل اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی این استان برآمد (رادمنش، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲). به نظر می‌رسد شوروی به پایان جنگ و تقسیم خاورمیانه نیز فکر کرده بود تا از طریق تسلط بر خراسان راحت‌تر بتوانند به خواسته‌های بعدی خود، یعنی تسلط بر افغانستان و هند دست یابند. (تفرشیان، ۱۳۶۷: ۱۱)

تفرشیان آن وضعیت را این‌طور تشریح کرده است: «... صبح دکان‌ها طبق معمول باز بود، اما به محض این که یک نفر می‌گفت روس‌ها به طرق^۱ رسیده‌اند، یک‌مرتبه تمام دکان‌ها بسته می‌شد، بعد از نیم‌ساعت که می‌گفتند خبر دروغ بوده است، دکان‌ها باز می‌شد. هیچ‌کس نبود که این اجتماع بلا تکلیف را هدایت کند، تنها تلاشی که مأمورین باقی مانده‌ی دولت می‌کردند، این بود که کوشش داشتند خبازخانه (نانوایی)ها باز بماند تا مردم بتوانند نان خوراکی خود را به دست آورند. خانواده‌ها هم اکثراً بدون این که کسی دستوری داده باشد، شهر را ترک کرده بودند؛ این کار راهم فقط از روی غریزه‌ی حفظ ذات یا تصمیم شخصی انجام داده بودند. سرانجام در سحرگاه روز سوم شهریورماه ۱۳۲۰ ش. هواپیماهای روسی در آسمان مشهد نمایان شدند» (اسکرین، ۱۳۶۳: ۱۹۹).

۱. روستای طرق در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب شرق شهر مشهد واقع شده است.

در سوم شهریور سال ۱۳۲۰ ش. پرواز هواپیماهای شوروی در آسمان قوچان^۱ مردم این شهر را دچار تشویش و اضطراب نمود. با ورود ارتش روس به قوچان، ادارات دولتی، ژاندارمری و شهربانی قوچان با اندک مقاومتی به تصرف روس‌ها درآمد و مأموران خلع سلاح شدند (جلالی، ۱۳۷۷: ۸۳). روس‌ها علاوه بر این که در مشهد بودند، در شهر قوچان نیز فعالیت داشتند. حتی برخی از زنان روسی نیز حضور داشتند که لباس نظامی بر تن کرده بودند. در حدود ۴۰۰۰ نفر از افراد ارتش سرخ و مهندسين روسی در قوچان حضور داشتند که بسیاری از خانه‌ها را اجاره کرده بودند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۳۶). باغ ستاد، باشگاه افسران، ساختمان دژبان، منزل فرمانده لشکر، تمام سربازخانه‌ها و تأسیسات نظامی و قسمتی از بیمارستان شاه‌رضا (امام رضا [ع]) در تصرف کامل روس‌ها بود (بقیعی، ۱۳۷۳: ۲۶۱).

در روز سوم شهریور چند هواپیمای روسی بر فراز آسمان مشهد پیدا شدند. در شهر همه‌مه و هرج و مرج عجیبی به وجود آمده بود. شمال‌شهری‌ها به جنوب‌شهری‌ها و جنوب‌شهری‌ها به شمال‌شهری‌ها می‌رفتند بدون آن که بدانند چرا و کجا می‌روند. مردم به خارج از شهر پناه برده، سربازها از سربازخانه و افسران از شهر می‌گریختند (استوارت، ۱۳۷۰: ۲۵۹). مشهد در سومین روز جنگ آرام به نظر می‌رسید. در خیابان‌ها به‌ندرت اتومبیل یا کامیونی دیده می‌شد و شهر خالی از سکنه بود. از کادر بیمارستان رضاشاه (امام رضا [ع])، که مشهد به داشتن آن می‌بالید، به جز باروخ^۲، جراح چک‌اسلوواکی و همسرش و هم‌چنین هامر شلک^۳، رئیس قدیمی بیمارستان و زخمی‌های ایرانی، از جمله ۱۸ سربازی که در جریان حمله هوایی مجروح گردیده بودند، شخص دیگری حضور نداشت (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۰۲).

در چهارم شهریور ۱۳۲۰ ش.، ارتش شوروی هنگام سپیده‌دم به سوی مرز ایران در خراسان به حرکت درآمد. ارتش پنجاه‌وسوم مستقل آسیای مرکزی آماده گشودن جبهه جدید در شرق

۱. علت اهمیت قوچان این بود که بر سر راه عشق‌آباد قرار گرفته بود و کامیون‌های حامل تدارکات از دو مسیر، یکی زاهدان به مشهد و دیگری از تهران - شاهرود - سبزوار به این شهرها می‌رسید.

2. Arookh
3. Homer shelk

دریای خزر به سوی ایران و افغانستان بود. نیروهای شوروی به راحتی وارد سرخس شده و از آنجا عازم مشهد، پایتخت خراسان شدند. افراد سواره نظام لشکرهای هجدهم و چهل و چهارم پس از ورود به سرخس، از وسط شهر می‌گذشتند تا به مشهد، کرسی نشین ایالت خراسان بروند. یک واحد موتوریزه^۱ مرکب از دو گردان پیاده به جلو اعزام شد تا گردنهٔ مزدوران (مزدآوند) را که در نیمه راه مشهد جنبه حیاتی داشت، تصرف کند (استوارت، ۱۳۷۰: ۲۵۶). در روز چهارم شهریور به دستور سرلشکر محتشمی، فرمانده لشکر نهم شرق، ستاد جنگ تشکیل شد و قرار بر این گذارده شد که دو ستون نظامی برای مقابله با نیروهای شوروی عازم قوچان و سرخس شوند. از آن جایی که لشکر شرق وسیله نقلیه کافی برای اعزام نیروهای خود نداشت، تعدادی از اتوبوس‌های بین‌شهری و کامیون‌های شخصی را به زور و تهدید از گاراژها درآوردند. بسیاری از رانندگان اتوبوس‌ها و کامیون‌ها که نمی‌خواستند وسیله نقلیه خود را در اختیار ارتش قرار دهند، وسایل نقلیه خود را پنچر نموده، یا چرخ‌های آن را باز کردند و به راه‌های مختلف دیگر متوسل شدند تا مانع اعزام وسیله خود شوند (رامین‌نژاد، ۱۳۹۰: ۹۰).

در تمام مدت جنگ، موتورهای کارخانه برق مشهد از کار افتاد و شهر در تاریکی محض فرورفت (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۰۱). گویا حملات هوایی روز چهارشنبه باعث ترس و وحشت مسئولان شده و چون احتمال تکرار این حملات در شب نیز وجود داشت، شهرداری مشهد در اطلاعیه‌ای از مردم خواست از ایجاد روشنایی در معابر، کوچه‌ها و حتی منازل خودداری کنند؛ نیز برای تکمیل اقدامات احتیاطی، برق مشهد به‌طور کامل قطع شد.

در پنجم شهریور ۱۳۲۰ ش. به محض این‌که صدای انفجار نخستین بمب شنیده شد، مردم متوحش گردیده و بدون اراده اثاثیه خود را به خارج ریخته و به کوچه و خیابان می‌رفتند. این وضعیت تا عصر ادامه داشت (ادیب هروی، ۱۳۲۶: ۵۶). متعاقب ورود نیروهای زمینی شوروی به خراسان، هواپیماهای نظامی این کشور در دو نوبت و در ساعت‌های ۷ و ۹ بامداد، اقدام به بمباران

۱. اصطلاحی است مربوط به جنگ‌های مدرن که تقریباً پس از جنگ جهانی اول متداول گردید.

فرودگاه مشهد کردند. شلیک ۲۳ گلوله‌ی ضدهوایی نیز که تمام ذخیره هنگ هوایی مشهد بود، نه‌تنها تأثیری نداشت؛ که باعث وحشت بیش‌تر اهالی مشهد گردید (ارجمند، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

هزاران نفر فقیر و غنی را می‌دید که به روستاها سرازیرند. تعدادی از مردم با ماشین یا کامیون‌هایی که از احظار ارتش جان سالم به در برده بودند و بقیه هم با بارونه و احشام و بچه‌های‌شان به‌وسیله درشکه‌های اسبی یا بر پشت الاغ و قاطرها و گاری‌های دستی و با هر وسیله نقلیه دیگری که گیرشان می‌افتاد، می‌گریختند (منصوری، ۱۳۸۴: ۳۲).

در هفتم شهریور، مردم مشهد احساس آرامش کردند؛ زیرا چنین به نظر می‌رسید که شوروی‌ها پیشروی را متوقف ساخته‌اند. بنابراین مغازه‌ها باز شد و پاسبان‌ها در خیابان‌ها ظاهر شدند، اما حوالی ظهر یک واحد از پیاده‌نظام شوروی از جانب سرخس وارد مشهد شد. در بعدازظهر همان‌روز، سربازان شوروی بویژه در خیابان‌ها به تقسیم میوه و شیرینی پرداختند و سربازان تاجیک شوروی به زبان فارسی فریاد می‌زدند که ارتش سرخ برای آزادی شما از دست خائنان طرفدار هیتلر وارد شده است (میرنیا، ۱۳۷۳: ۱۵۱). از آمار کشته‌شدگان و مجروحان این حوادث اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما گفته شده بیمارستان‌های مشهد در فاصله روزهای پنجم تا هفتم شهریور، دیگر جواب‌گوی زخمی‌ها و تشریفات دفن مقتولین این مبارزان نبوده‌اند (عاقلی، ۱۳۷۲: ۵۶۳).

در نهم شهریور نیز بخش عمده‌ای از سپاه چهارم سواره‌نظام ژنرال شاپکین^۱ وارد مشهد شد و اقدام به رژه در خیابان‌های مشهد نمود. مردم مشهد نیز نظاره‌گر این رژه بودند. از نکات جالب‌توجه این است که سربازان شوروی، سرود نظامی می‌خواندند اما همین که به بارگاه امام‌رضا (ع) رسیدند، به‌عنوان احترام سکوت کردند (جلالی، ۱۳۷۷: ۸۴). روس‌ها در مدت اشغال مشهد، سعی در حفظ حرمت بارگاه رضوی و تشکیلات آستان قدس داشتند. آنان نمی‌خواستند هم‌چون دوره قاجار، کارنامه بدی از خود به جای بگذارند (متولی حقیقی، ۱۳۹۲: ۵۹). به‌هرحال، روس‌ها نیروهای اشغال‌گر بودند و برای این که بتوانند امنیت سربازان‌شان را تأمین کنند، مبادی ورودی

1. Shapkin

و خروجی شهرها را تحت نظر داشتند. این نظارت در شهرهایی مثل مشهد، قوچان، بجنورد و سبزوار که سربازان ارتش سرخ حضور داشتند، سخت‌تر بود (جابانی، ۱۳۶۳: ۱۳). گویا هدف شوروی از اشغال خراسان، به‌دست‌آوردن فراخنایی از خراسان بود تا سریع‌تر و راحت‌تر به هدف‌های استعماری خود دست‌یابد. آنان اهداف بلندمدتی را در سر می‌پروراندند و در پی گسترش مرزهای خود بودند تا از هم‌پیمان استعمارگر خود - انگلیس - عقب نمانند. شاید به همین علت بود که سربازان روسی رفتار مناسبی را با مردم خراسان در پیش گرفته بودند «رفتار متین سربازان اشغالگر روس خصوصاً در مقایسه با حرکات ناهنجار سربازان انگلیسی و آمریکایی، ترسی را که از روس‌ها در دل مردم بود، کاست و تعداد کسانی که مشتاق شرکت در پارتی‌های باغ‌خونی (اقامت‌گاه قدیم کلنل محمدتقی‌خان پسیان و کنسول‌گری شوروی در زمان جنگ دوم) بودند، از حد گذشته بود (فیاض، ۱۳۸۱: ۹۲).

اوضاع ارتش خراسان در طول جنگ بسیار نامنظم و به‌هم‌ریخته بود. عده‌ای سرباز بدون فرمانده و بی‌انضباط در شهر حضور داشتند که یا در جبهه بی‌فرمانده بودند، یا از دسته خود عقب مانده، یا از پادگان‌ها فرار کرده بودند (تفرشیان، ۱۳۶۷: ۹). بعضی از سربازها، اسلحه خود را می‌فروختند تا بتوانند خرج زندگی‌شان را تأمین کنند و در این میان، افرادی که از تملک مالی خوبی برخوردار بودند، اسلحه‌ها را می‌خریدند که شاید روزی بتوانند از آن‌ها استفاده نمایند؛ به‌خصوص زمین‌داران و ملاکان بزرگ که کارگر زیادی برای آن‌ها کار می‌کرد، از خریداران اسلحه‌ها بودند (همتی، ۱۳۹۰: ۷۲). ارتش شوروی با مردم عادی کاری نداشتند، اما با ارتشی‌ها رفتار خوبی نداشتند. روس‌ها با کسانی که تفنگ در دست داشته و ارتشی بودند، مخالف بودند و حتی اعلام کرده بودند که هر کسی که اسلحه دارد تحویل دهد.^۱ در شهریور ۱۳۲۱، تقریباً هزار سرباز پیاده و هزار و دویست سوار و تقریباً ۵۰ هواپیمای روسی در مشهد وجود داشت (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۰۴).

۱. مصاحبه با عبدالمجید فیاض، تربت حیدریه، ۱۳۵۷/۱۱/۸.

دلایل خروج شوروی و اثرات فرهنگی - اجتماعی بر مردم خراسان

ارتش شوروی در نهایت بر اساس موافقت‌نامه‌ای که در اوایل خرداد ۱۳۲۵، بین ایران و شوروی در هنگام سفر قوام السلطنه به مسکو منعقد گردید، از خاک ایران، از جمله خراسان خارج شد (میرنیا، ۱۳۷۳: ۲۲۴) و ارتش سرخ روس‌ها پس از چهار سال و پنج ماه که در مشهد حضور داشت، پادگان مشهد را ترک نمودند (روزنامه راستی، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۴: ۳۱). البته ایالات متحده‌ی آمریکا نیز اولتیماتومی به استالین^۱ داد که اگر سپاهیان را از قلمرو ایران خارج نسازد، مسؤول عواقب بعدی خواهد بود. این اولتیماتوم نقش قاطعی در تصمیم شوروی به خروج از ایران ایفا کرد (امجد، ۱۳۸۰: ۹۸). پس از انتشار این پیام، دولت شوروی رسماً اعلام داشت که تصمیم گرفته است تا دوم ماه مارس، قوای خود را از خراسان و شاهرود و سمنان بیرون ببرد (لنزوسکی، ۲۵۳۶: ۳۲۶). سرانجام به دنبال اعمال فشار سازمان ملل و دولت آمریکا و همچنین مذاکراتی که دولت ایران با دولت شوروی انجام داد، شوروی نیروهای خود را در بهار سال ۱۹۴۶م. از ایران خارج کرد (بلیک، ۱۳۹۴: ۲۴). فردای آن روز دولت قوام طی اعلامیه‌ای، تخلیه کامل ایران را از نیروهای نظامی شوروی تأیید کرد و مراتب را رسماً به شورای امنیت سازمان ملل اعلام داشت (امینی، ۱۳۸۱: ۱۳۹). بنابراین، در روز دوم مارس / یازدهم اسفند ۱۳۲۴، هزار نفر پیاده‌نظام، چهارصد سواره‌نظام و دو آتش‌بار توپ‌خانه با مارش نظامی از خیابان‌ها گذشته و رفتند و اعلام شد که بقیه فردای آن روز خواهند رفت. مردم مشهد نفس راحتی کشیدند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۷۵؛ عبدالمجید فیاض، ۱۳۵۷).

با وجود سنگینی حضور ارتش سرخ شوروی در خراسان و بویژه شهر مشهد، فرصتی به گروه‌ها و لایه‌های گوناگون اجتماعی برای تحرک و جستجوگری داده شده بود. هم به این دلیل و هم برای تطهیر نظام کمونیستی اشغال‌گر و نیز جذب مخاطب، کارگزاران روس بر آن شدند تا با گسترش فرهنگ نوجلوه‌ی مارکسیسم - لنینیسم در ایران، روسیه را چونان سرزمین شوراها، قبله انقلاب و تجلی‌گاه سوسیالیسم تصویر کنند؛ مأموریتی که در نخستین گام با اجرای نمایش و

1. Stalin

فیلم، برگزاری سخنرانی، مسابقه و سایر پویش‌های فرهنگی در ایران و خراسان توسط کنسول‌گری و بخش تبلیغاتی ارتش سرخ و در گام بعد، با واگذاری این فعالیت‌ها به نهادهای به ظاهر جذاب اما وابسته‌ای چون شعبه خانه وکس و حزب توده ایران عملی شد.

اشتیاق نسل جوان دهه‌ی ۱۳۲۰ش. برای آشنایی با دستاوردهای فرهنگی جهان و تجربه پدیده‌های مدرن که در اختناق رضاشاهی ممنوع شده بود، اینک به تمایل آنان به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی انجامیده بود؛ پس روس‌ها با برنامه‌ریزی دقیق تبلیغی چنان در فکر و ذهن اقشار خودآگاه و نوگرای خراسانی رسوخ کردند که با وجود مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ، در برنامه‌های گروه تبلیغاتی کنسول‌گری شوروی و حتی در گردآوری کمک‌های مردمی به مناطق جنگ‌زده‌ی روسیه نیز مشارکت می‌کردند. این‌گونه، در نیمه اول دهه‌ی ۱۳۲۰ش.، خراسان از حیث فرهنگی و اجتماعی، سخت تحت تأثیر تبلیغات شوروی و وابستگان آن قرار گرفت و مارکسیست‌ها از هر شیوه‌ای برای جذب نیروهای مردمی استفاده کردند.

حضور روس‌ها در مشهد که بیش‌تر از چهار سال به طول انجامید، دربرگیرنده دو دوره متفاوت بود. در دوره دوساله اول، به دلیل خطر آلمان نازی، روس‌ها در پی چیرگی کامل سیاسی و نظامی در خراسان بودند و بسیاری از اقدامات آنان در راستای این هدف بود؛ اما در دوره بعد که با فرسایش و عقب‌نشینی نیروهای آلمانی در جبهه‌های عمومی جنگ همراه بود، ماهیت اقدامات روس‌ها با پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای دوران پس از پایان جنگ تغییر یافت و بیش‌ترین تلاش آنان به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی و اجتماعی برای فراهم‌کردن زمینه‌های نفوذ بلندمدت در ایران بدل شد.

اوضاع اقتصادی خراسان

با آغاز جنگ جهانی دوم، همه برنامه‌های آبادانی و صنعتی در ایران متوقف شد؛ اجرای برنامه‌های کشاورزی که در قالب برنامه پنج‌ساله، در حال تحقق بود، با ورود متفقین تعطیل شد (روزنامه اطلاعات، ۲ دی ۱۳۱۹: ۳). جنگ جهانی دوم در دو مرحله بر صنعتی‌سازی در ایران

تأثیر گذاشت و سرانجام به پایان برنامه صنعتی‌سازی کشور انجامید و صنعت ایران و بویژه خراسان، دچار بحران گردید (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۱). سعید نفیسی در این باره نوشته است: «در پایان دوره پهلوی، کم‌ترین شهری در ایران بود که در آن یا در همسایگی آن، یکی چند کارخانه مهم مشغول به کار نشده باشد و مخصوصاً در درجه اول، تهران و اصفهان و تبریز و مشهد ... در هر یک از آن‌ها مبالغ خطیری از سرمایه ایرانی، چندین هزار کارگر ایرانی از زن و مرد و کودک به کار مشغول بود (نفیسی، ۱۳۴۵: ۱۲۹). اشغال ایران توسط متفقین سه پیامد عمده برای صنعتی‌سازی در ایران داشت، این پیامدها عبارت بود از: ۱. اخراج متخصصان و کارشناسان صنعتی آلمان از ایران؛ ۲. کاهش تولید و یا تعطیلی کارخانه‌ها؛ ۳. اشغال کارخانه‌های ایران توسط متفقین و به‌کارگیری آن‌ها در راستای اهداف نظامی (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۱۵).

الف) توقف پروژه‌ی عملیات احداث راه‌آهن تهران-مشهد
عملیات ساخت راه‌آهن تهران به مشهد که کار ساختمانی آن آغاز شده بود، در سال ۱۳۱۹ به شاهرود رسید و از شاهرود تا مشهد در قطعه‌های مختلف کار زیرسازی با صرف هزینه‌های بسیار سنگین که از طریق وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تأمین می‌گردید، انجام و آماده ریل‌گذاری بود و مصوبه دولت این بود که راه‌آهن تهران به مشهد تا سال ۱۳۲۱ به پایان برسد. در شهریور ۱۳۲۰ با ورود نیروهای متفقین به خاک ایران، آن پروژه بزرگ ملی متوقف شد و آن‌چه هم که انجام شده بود، در اختیار نیروهای متجاوز انگلیسی و روسی قرار گرفت و در مدت چند سال حضور اشغال‌گرانه متفقین در ایران، آن سرمایه‌ی ملی از دست رفت. راه آهن تهران به مشهد که با تجاوز متفقین اشغال‌گر به خاک ایران در شهریور ۱۳۲۰ در منطقه‌ی شاهرود متوقف مانده بود، پس از جنگ، وزارت راه اداره عملیات ساختمان و ریل‌گذاری به مشهد را به عهده گرفت و سرانجام در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۶ پس از ۱۴ سال تأخیر بهره‌برداری رسمی از خط‌آهن تهران-مشهد آغاز گردید (سعادت، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

ب) توقف پروژه بزرگ ایجاد شهر صنعتی - کشاورزی فریمان

پیش از ورود متفقین کار ساختمان‌سازی و آبادانی در جاهای گوناگون ایران در دست انجام بود؛ یکی از این برنامه‌های مهم در خراسان، ایجاد شهر کشاورزی - صنعتی فریمان بود. آرتور میلسپو^۱ (۱۳۷۰: ۴۶) آمریکایی که به‌عنوان رئیس کل دارایی ایران استخدام شده بود، در کتاب خود به نام *آمریکایی‌ها در ایران* درباره فعالیت‌های عمران و آبادانی که با ورود نیروهای متفقین و اشغال ایران، تعطیل گردید، می‌نویسد که رضاشاه در شماری از شهرهای کوچک و دهات، مراکز خرید و در چند جا از مناطق کشاورزی خانه‌های روستایی یک‌شکل برای کشاورزان ساخت و روستای فریمان خراسان را با کارخانه‌ها، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها به صورت شهر نمونه درآورد. ایجاد شهرک فریمان یکی از طرح‌های عمرانی و اقتصادی رضاشاه بود؛ خود رضاشاه با علاقه‌ای ویژه بر روند گسترش و پیشرفت آن نظارت می‌کرد و بودجه‌ی زیادی از کشور را بدان اختصاص داده بود. کار ساخت شهر تقریباً به پایان رسیده و کشاورزانی از اطراف برای امور کشاورزی، جمع‌آوری و در شهر اسکان داده شده بودند و در واقع، هنگام بهره‌برداری از برنامه بود که ناگهان دشمنان دیرینه به کشور یورش آوردند و همه‌چیز به هم ریخت. این‌گونه، فریمان، یک‌بار بعد از شهریور ۱۳۲۰، مورد بی‌مهری قرار گرفت و میلیون‌ها سرمایه‌گذاری کشور نابود شد و برای سال‌های طولانی از پیشرفتی که انتظار داشت، بازماند. برای آشنایی بیشتر با وضعیت آن زمان، یکی از نامه‌های اهالی فریمان را به نخست‌وزیر و رئیس مجلس شورای ملی که شش‌ماه پس از ورود نیروهای اشغال‌گر نوشته شده، مطالعه می‌کنیم:

«جناب آقای نخست وزیر [سهیلی] و رو نوشت جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی!

... ملت ایران پس از بیست‌سال تحمل همه‌گونه سختی و مذلت در زیر چنگال استبداد و قدرت و توانایی اعلیحضرت شاه سابق، در خلال یک‌سلسله عملیات آن دوره، یک‌رشته اقدامات و اصلاحات عمرانی با خون جگر در هر گوشه و کنار به نام املاک اختصاصی و غیره انجام داده، این اصلاحات در محلی با جوروستم به دست مأمورین متعددی و استفاده‌جو و در محلی مانند

1. Arthur Milspoe

فریمان با حسن سلوک و بی‌طمعی انجام [شده است] ... آقایان محترم! بیایید و از نزدیک فریمان را ببینید، به درد واقعی دل‌ها رسیدگی کنید، هزاران کار سودمندی که در هر گوشه ایجاد شده، ملاحظه فرمایید و مورد بررسی قرار دهید! بالاخره برای نگهداری آن، قدری فکر و چاره‌جویی نمایید؛ نمونه‌ای از کار نیک‌مردان خیراندیش را بازرسی کنید تا بدانید فریمان، مازندان نیست^۱، تا بدانید فریمان به دست ما و در پرتو هدایت مأمورین لایق درست‌کار و میهن‌پرست، آباد شد؛ بیایید و اقدام مؤثری برای تأمین امنیت مملکت بفرمایید، زیرا تا به حال، چندین هزار گوسفند ماه‌ها در حدود سرخس به وسیله‌ی سارقین از بین رفته و امروز بیچاره شده‌ایم» (روزنامه آزادی، ۱۴ فروردین ۱۳۲۲: ۲).

اشغال هر کشور پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی را به همراه دارد. چنین قاعده‌ای در خصوص اشغال خراسان در شهریور ۱۳۲۰ ش.، نیز صادق است؛ زیرا نیروهای متفکین با اهداف نظامی وارد ایران شدند و بخش بزرگی از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی را در راستای رسیدن به اهداف خود، در اختیار گرفتند و در این میان، صنایع نوپا و برنامه‌های تازه آغاز شده، از این قاعده بیرون نبود. اشغال خراسان سه پیامد عمده به همراه داشت که عبارتند از: ۱- بیکاری ۲- افزایش بزهکاری ۳- پس‌رانی صنعتی شدن و پیشرفت ایران.

فعالیت‌های عمرانی متفکین در خراسان

الف: در خلال جنگ جهانی دوم که بخشی از کمک‌های پشتیبانی به روسیه از طریق جاده زاهدان به مشهد انجام می‌گرفت، لازم بود که آن جاده نامناسب شوسه، بازسازی شود؛ پس متفکین با استفاده از کارگران ایرانی به بازسازی آن اقدام کردند، «پیمانکاری به عهده یک بنگاه آمریکایی بود که خود را "شرکت هجده" می‌نامید، هزاران دهقان که بیش‌ترشان از قبیله‌های پیرامون زابل و سیستان بودند، زیر نظر سردارهای‌شان به پرکردن چاله‌ها و پاک‌کردن وسط

۱. اشاره دارد به ساخت هتل رامسر

جاده از سنگ‌ها می‌پرداختند. از بولدوزر یا غلطک و تجهیزات خیلی سبک‌تر جاده‌سازی خبری نبود و بسیاری از افراد، با دست خالی به کار مشغول بودند. آنان، گروهی ژنده‌پوش بودند که پشت سرهم، دسته‌دسته می‌آمدند و از دست‌مزد کم، بی‌سرپناهی و محرومیت از هرگونه تیمار پزشکی شکایت می‌کردند؛ حتی از نداشتن جیره‌ی کافی نان تقلبی غیرقابل‌هضمی که نیمی از جمعیت ایران در آن هنگام با آن سر می‌کردند، می‌نالیدند» (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۲۴).

ب: ایجاد خط هوایی تهران- مشهد: روس‌ها برای انجام رسیدن به اهداف سیاسی و نظامی خود، در داخل ایران خط‌های هوایی بین مشهد و تهران و بالعکس؛ تهران به تبریز و بالعکس و تهران به بندر پهلوی (امام‌خمینی) را ایجاد نمودند. این خطوط هوایی که با نام اینتوریست^۱ فعالیت می‌کرد، مسافری عادی را نیز جابه‌جا می‌نمود. راه اندازی پرواز بین مشهد و تهران یکی از آن کارهایی بود که انگلیسی‌ها را متعجب نمود. این اقدام در آوریل ۱۹۴۴م/۱۳۲۳ش، توسط نیروی هوایی ارتش سرخ آغاز شد که دوبار در هفته، خلبانان نظامی با هواپیمای ۲۳ نفره داگلاس و گاه با هواپیمای ارتباطی ارتش، مسافت دوروزه‌ی مشهد-تهران را سه‌ساعته می‌پیمودند. نرخ کرایه آن نیز از هر سو، ۱۶۰ تومان بود (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۹۳).

اشغال خراسان در طی جنگ جهانی دوم، مشکلاتی اقتصادی برای مردم ایجاد نمود که حل این مشکلات، بزرگ‌ترین دل‌مشغولی مسئولین بود. استاندار خراسان نیز در این زمان دو مشکل اساسی داشت که «یکی از آن‌ها تأمین نان مردم و دیگری تأمین امنیت و قلع‌و‌قمع راه‌زنان بود» (همان: ۲۱۶). در طول این جنگ، مردم خراسان دچار کمبود ارزاق عمومی بویژه نان شدند. البته در روستاهای دورافتاده که عبور و مرور مأمورین و نیروهای اشغال‌گر مشکل بود، روستاییان در تهیه آرد خود کفا بودند و وضع بهتری داشتند. اما برخی از مردم که توانایی خرید گندم نداشتند؛ یا گندم‌کارانی بودند که از شدت نداری مجبور به فروش گندم خود می‌شدند، ناگزیر به خوردن نان ارزن روی می‌آوردند.^۲

1. Intourist

۲. مصاحبه با برات همتی استاد، مشهد، ۱۳۸۹/۱۰/۳.

جنگ جهانی دوم چهار سال به درازا کشید. سفره‌های مردم که همواره به قناعت آراسته بود، با ورود میهمانان ناخوانده، هرروز تهی‌تر شد. دشواری مردم، تنها سیرکردن شکم سربازان اشغال‌گر نبود، لقمه‌ی دهان هزاران مردم محروم، به جبهه‌های جنگ شوروی علیه آلمان هیتلری می‌رفت. این‌گونه، نان که خوراک اصلی مردم بود، کمیاب شد. ازدحام مردم گرسنه در برابر دکان‌های نانوائی غم‌انگیز بود. همیشه بیش از ۱۰۰ نفر برای دریافت یک نان جلوی نانوائی ایستاده بودند که در پایان، به بعضی از آن‌ها نان نیز نمی‌رسید و مجبور بودند شب را با شکم گرسنه بخوابند. آن‌هایی هم که نانی به ایشان می‌رسید، آن را بین اعضای خانواده تقسیم می‌کردند (مهدی‌زاده و جوادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). یکی از علت‌های کمبود غلات این بود که انگلیسی‌ها گندم را از سطح شهرها جمع‌آوری می‌کردند و به زاهدان و جنوب، محل استقرار نیروهای خود می‌فرستادند که با این عمل، قحطی گندم و جو پدید آمد. نان سهمیه‌بندی شده بود که مثلاً سهمیه هر خانواده فقط یک نان بود. از دیگر دلایل کمبود آذوقه و افزایش مشکلات اقتصادی، ورود مهاجران لهستانی به ایران و خراسان بود. بسیاری از این مهاجران، در ایران ماندگار شدند. این در حالی بود که دولت ایران خود با قحطی و کمبود مواد غذایی، نا بسامانی سیاسی و اقتصادی بر اثر اشغال کشور و ... روبه‌رو بود. با این همه، ایرانیان با میهمانان ناخوانده خود رفتاری شایسته پیشینه و منش تاریخی خود داشتند (روحانی و ایزدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

در سال ۱۳۲۱ ش.، دیدن صفوف طولانی مردم پریشان و لرزانی که برای دریافت جیره‌ی نان سیاه غیرخوردنی خویش، ساعت‌ها پشت یکدیگر می‌ایستادند، بسیار عادی بود (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۱۸). قحطی در شهرها به قدری بود که اگر کسانی پیدا می‌شدند که در منزل آرد داشتند، به‌طور مخفیانه و شبانه نان می‌پختند تا همسایه‌ها متوجه نان‌پختن آن‌ها نشوند. قحطی نان و غله به مرور خود را نشان داد؛ تا آن‌جا که دولت در آغاز سال ۱۳۲۱ مجبور به توزیع کوپن قند و شکر و ارزاق عمومی شد. این کمبود حتی شامل حال دولت‌مردان و رجال سیاسی گردید. به طوری که حسن اسفندیاری (رئیس مجلس شورای ملی)، برای رفع این کمبود دستور داد در باغ بهارستان سیب‌زمینی و حبوبات بکارند. هم‌چنین دولت در اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ ممنوعیت

صدور حبوبات، غلات و گوشت را تصویب کرد (عاقلی، ۱۳۷۴: ۳۴۵-۳۴۶). در مناطق دور از مرکز، اوضاع نابه‌سامان‌تر بود. چنان‌که در خراسان به مرز قحطی رسید. از همین‌رو کارگزاران حکومت مجبور به خرید غله و آرد از متفقین شدند (روحانی و ایزدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶۲). بنابراین پس از اشغال ایران، آتش هرج‌ومرج و شورش و طغیان و ناامنی در مناطق شرقی و شمالی خراسان شعله‌ور گردید و ارزاق عمومی کمیاب شد، و مردم وحشت‌زده و بیم‌ناک و نگران آینده، دچار زحمت و مشقت شدند. در مشهد مرکز استان خراسان، چنان‌که ذکر شد، استاندار به دنبال راه حل این بحران بود. فتح‌الله پاک‌روان - استاندار خراسان - در محل خود باقی ماند و چون زبان روسی را خوب می‌دانست، در مذاکره با مقامات ارتش اشغال‌گر شوروی، نظر موافقت آن‌ها را برای برقراری اوضاع عادی و عدم دخالت در امور استان جلب می‌کرد. پاک‌روان پس از تأمین نان شهر، نظر مقامات شوروی را با افتتاح و اسقرار کلانتری‌ها، شهرداری‌ها و ژاندارمری‌های شهر و بخش‌ها موافق ساخت و نیروهای پراکنده انتظامی را جمع‌آوری و به جلوگیری از سرقت و شرارت و بی‌نظمی در شهرها و راه‌های خراسان اقدام کرد. او شب‌ها خود در مشهد به گشت و رسیدگی به مایحتاج عمومی پرداخت؛ تا به تدریج، وضع عادی در شهر مشهد و سایر شهرهای خراسان برقرار شد (میرنیا، ۱۳۷۳: ۱۸۸).

طی یک سال، یعنی از شهریور ۱۳۲۰ ش. تا شهریور ۱۳۲۱ ش. در مشهد که جمعیتی در حدود ۱۶۰ هزار داشت، تقریباً ۱۴۷۰۰ تن غلات مصرف شده است؛ ۱۰۰۰ تن گندم از هندوستان و ۲۵۰ تن جو از روسیه وارد شده و اداره اقتصاد این ارقام را تهیه کرده است (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۹۹). این آمار نشان‌دهنده این است که تنها در مشهد کمبود غلات به چه مقدار بوده است، پس برای آماده‌سازی ارزاق عمومی همه شهرها و روستاهای استان پهناور خراسان، چندین برابر آن نیاز بود. در همان روزهای اولیه جنگ مبلغ نه‌هزار ریال از طرف سرکنسول‌های شوروی و بریتانیا برای بینوایان مشهد در نظر گرفته شد (جلالی، ۱۳۷۷: ۸۶).

از دیگر مشکلات در خراسان، می‌توان به گرانی اجناس اشاره کرد. با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، گرانی اوج گرفت و قیمت هر خروار (۳۰۰ کیلوگرم) گندم که تا سال ۱۳۱۸ ه.ش

بین ۱۵ تا ۲۰ تومان بود به ۱۳۰ تومان افزایش یافت و در زمستان سال ۱۳۲۱ ش. هر خروار گندم به ۶۰۰ تومان هم رسید. سیب‌زمینی که پیش از جنگ، خرواری ۶ تومان خرید و فروش می‌شد، به خرواری ۱۸۰ تومان و قند یک من (۳ کیلو) به بیش از ۶۰ تومان و هر خروار آرد به ۹۰۰ تومان افزایش یافت. پیش از جنگ، هرکس می‌توانست یک خروس چاق را به ۲/۵ ریال بخرد ولی با آغاز جنگ، بهای تنها یک تخم‌مرغ به ۳ ریال رسید. قند کیلویی ۹۰ تا ۱۰۰ ریال تهیه می‌شد. قند جیره‌بندی شد. قند روسی به طور آزاد در دسترس نبود.

در سال‌های جنگ دستمزد روزانه یک کارگر ساده ۱۵ ریال برای بود، ولی بنا یا گچ‌کاری که برای طرح‌های متفکین کار می‌کرد روزانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ ریال دستمزد دریافت می‌کرد (رجبی و دهقان‌پور، ۱۳۹۴: ۴۲۷). در شرایط بحرانی جنگ، فشار اخذ مالیات، مردم را به ستوه آورد و بعضی از کالاهای اساسی چون قند و چای جیره‌بندی شد (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۵۰۶). با وجود ناآرامی‌های اقتصادی و اوضاع نابه‌سامان اجتماعی، معضل جدیدی با عنوان سوءاستفاده‌های محترکان و دلالان اجناس بویژه نان و غله در جامعه خراسان نمود پیدا کرد. پرونده زشت‌کاری سودجویان، بسیار از سنگین‌تر و سیاه‌تر دشمنان اشغال‌گر بود. اوضاع نابه‌سامان آن سال‌ها زمینه را برای محترکان و دلالان و سودجویان داخلی فراهم کرد و ستمی که از سوی این سودجویان متوجه جیب و سفره و زندگی مردم گردید، به‌هیچ‌روی از سوی بیگانگان به مردم روا نشد. در واقع جنگ جهانی، میدانی شد تا بی‌رحمی سودجویان داخلی را نسبت به هموطنان‌شان آشکار سازد و نشان دهد که آدمیان در شرایط نامتعادل، تا چه حد انسانیت دارند. بنابراین سودجویی و تورم موجب گردید تا ثروتمندان هر روز ثروتمندتر و مردم فقیر هر روز فقیرتر شوند (پورشافعی، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

مسأله خشک‌سالی سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ که هم‌زمان با اشغال خراسان توسط نیروهای خارجی بود، سختی‌ها و مشقت‌های فراوانی برای مردم به همراه داشت. آثار خشک‌سالی در سال‌های اول چندان محسوس نبود و اهالی پس‌اندازهایی از قبل داشتند؛ فعالیت‌های راه‌سازی انگلیس‌ها نیز اهالی را مشغول داشت. ولی به محض این که کار ساخت راه ارتباطی متفکین قطع

شد، اثرات خشک‌سالی در زندگی مردم هویدا شد و مردم، فقیر و بی‌بضاعت شدند. بعضی‌ها فقط چهارماه نان گندم می‌خوردند و باقی سال را با نان جو، ارزن، توت خشک و شلغم و چغندر می‌گذراندند (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۴). اکثر قنات‌ها دچار کم‌آبی شد یا به کلی خشکید. مردم در تابستان ۱۳۲۷ برای خریدن کوزه‌ای آب آشامیدنی، گاه مجبور به پرداخت یک ریال بودند که در آن هنگام، مبلغ زیادی محسوب می‌شد.

شرایط حاصل از اشغال ایران، موجب گردید در خراسان نیز مانند بسیاری شهرهای دیگر، روزنامه‌های جدیدی منتشر گردد که با توجه به وابستگی آن‌ها به قطب‌های گوناگون و در نظر گرفتن منافع مالی، بر هیجانات و شکاف درونی این استان افزود و بر دشمنی‌های اجتماعی دامن زد. شعارهای روزنامه‌ها و احزابی که در خیابان‌ها از آزادی به هیجان آمده بودند، با شرایط جامعه هم‌خوانی نداشت. مأمورین کنسول‌گری‌های روس و انگلیس نیز در تلاش بودند تا رقابت‌های قومی و اختلافات مذهبی را بین گروه‌های اجتماعی تشدید کنند تا از طریق بی‌ثباتی، به اهداف خود دست یابند. این‌گونه بود که در مشهد نیروهای شوروی در مراسم محرم سال ۱۳۲۳ش. به دفاع از محله‌ی یهودیان مداخله کردند و در دیگر شهرهای استان نیز اختلافات مذهبی شعله ور گردید (الهی، ۱۳۸۲: ۴۵).

یکی از بدترین پیامدهای اشغال غاصبانه‌ی ایران، ناامنی اجتماعی در تمام مناطق کشور، بویژه خراسان بود (روزنامه آزادی، ۲۳ مهر ۱۳۲۰: ۳). روزنامه آزادی چاپ مشهد در این خصوص نوشت: «بیش از پنجاه روز است که بر اثر سلسله حوادث ناگوار - اشغال ایران توسط نیروهای متفقین - رشته انتظام زندگی ما (بد یا خوب) از هم گسیخت و کشور ما که هیچ‌وقت خیال نمی‌کردیم به بدبختی‌های جنگ جهانی آلوده شود، ناگهان دچار وقایعی شد که در آینه تصور ما حتی ضعیف‌ترین شبیحی از آن منعکس نبود. بر اثر این سوانح که دفعتهً خانه‌ی امنیت را خراب کرده و بر اثر خودسری یک عده افراد بی‌تربیت جاهل که تأمین جانی و مالی از شهرها و هامون این کشور رخت بر بسته، بسا مال‌ها که غارت و بسا خون‌ها که به ناحق ریخته شد ... آن چه

اکنون برای ما کمال لزوم را داشته و نهایت، تشنه آن می‌باشیم، امنیت شهر و بیابان و رفع تشویش و نگرانی مردم از این جهالت است...».

جدول (۱) فهرست مشکلات اجتماعی - اقتصادی خراسان از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ ش.

ردیف	نوع مشکل	نام شهر	منبع
۱	سرقت پول نقد	عباس‌آباد	روزنامه آزادی، دوشنبه ۷ مهر ۱۳۲۰
۲	راهزنی	در نزدیکی مشهد	روزنامه آزادی، دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۲۰
۳	راهزنی	راه تربت حیدریه به مشهد	روزنامه آزادی، جمعه ۱۸ مهر ۱۳۲۰
۴	دزدی	روستاهای براکوه و جوین	روزنامه آزادی، جمعه ۱۸ مهر ۱۳۲۰
۵	دزدی	گردنه‌ی الله‌اکبر نزدیک درگز	روزنامه آزادی، پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۲۱
۶	سرقت	تپه سلام	روزنامه راستی، پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۴
۷	سرما	مشهد	روزنامه آزادی، پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۲۰
۸	تخلیه‌ی ادارات دولتی توسط روس‌ها - افزایش قیمت گندم و نان - دزدی	شیروان	مقیمی، ۱۳۷۰: ۳۰۶
۹	غارت انبار گندم	طیس	تبرائیان، ۱۳۷۱: ۱۴۴
۱۰	دزدی - وجود فاحشه‌خانه - عدم نظافت و روشنایی - نبود خواروبار و قماش و برنج	تربت‌جام	روزنامه راستی، دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۲۲
۱۱	دزدی و عدم امنیت اجتماعی	زورآباد از توابع تربت‌جام	سیدی، ۱۳۷۳: ۸۳
۱۲	فحطی	سبزوآر	روزنامه راستی، چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۳
۱۳	گسترش بیماری حصبه و عدم طبیب	سرخس	روزنامه راستی، یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۳
۱۴	اعتیاد به مواد مخدر - کمبود آب - عدم بهداشت و نیمه‌تمام ماندن ساخت بیمارستان - نبود بودجه‌ی کافی و عدم پرداخت حقوق آموزگاران و اوضاع نامناسب تحصیلی	درگز	روزنامه آزادی، پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۲۱

۱۳۳:۱۳۶۵: شاکری،	قوچان	نامنی - قحطی - فقر - احتکار - تورم - افزایش هزینه‌های زندگی	۱۵
۳۴۱:۱۳۶۳: اسکرین،	اسفراین	قحطی - مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی	۱۶
روزنامه دادگستران، سه شنبه ۸ فروردین ۱۳۲۳	فریمان	گسترش بیماری تیفوئید و تیفوس	۱۷
روزنامه ندای خراسان، پنج شنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۲۵	فریمان	بیماری سفلیس	۱۸
روزنامه نور خراسان، ۲۵ شهریور ۱۳۲۴	مشهد	آب‌های آلوده	۱۹
روزنامه ندای خراسان، سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۲۶	مشهد	گسترش بیماری آبله	۲۰
مجله بانک ملی ایران، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۴	بجنورد	رکود بازار	۲۱
	بیرجند	رکود بازار - افزایش بهای روغن	۲۲
	تربت حیدریه	افزایش بهای خواربار	۲۳
	سبزوار	رکود بازار	۲۴
	قاین	رکود بازار - افزایش قیمت روغن - خشک‌سالی	۲۵
	قوچان	افزایش قیمت گندم و جو - افزایش قیمت قند و شکر	۲۶
	کاشمر	افزایش قیمت کشمش و مویز	۲۷
	گناباد	رکودبازار	۲۸
مجله بانک ملی ایران، مرداد و شهریور ۱۳۲۳	مشهد	افزایش قیمت گوشت	۲۹
	تربت حیدریه	رکود بازار	۳۰
	سبزوار	رکود بازار پشم	۳۱
	مشهد	رکود بازار	۳۲
مجله بانک ملی ایران، سال دهم، آبان و آذر ۱۳۲۱	بجنورد	افزایش بهای قند و شکر	۳۳
	بیرجند	افزایش نرخ کلیه کالاها	۳۴
	تربت حیدریه	افزایش قیمت شکر، چای و مغز بادام	۳۵
بجنورد	افزایش نرخ خواربار	۳۶	

نتیجه

خراسان به دلیل همسایگی با شوروی، برای متفقین اهمیت درخوری داشت. قرارگیری استراتژیک این استان از مهم‌ترین دلایل توجه و گرایش دولت‌های متفق بدان بود؛ زیرا خراسان مانند کلید دست‌یابی به کشورهای افغانستان و هندوستان محسوب می‌شد. شوروی از ورود به

ایران و خراسان اهداف مختلفی را در سر می‌پروراند و در پی گسترش مرزهای خود بود تا بتوانند از هم پیمانان خود، به خصوص انگلیس عقب نماند. نیروهای شوروی با مردم رفتاری مناسب داشتند؛ درحالی‌که نیروهای نظامی آمریکایی و انگلیسی خلاف این رفتار را انجام می‌دادند. این، بدان معنی نیست که شوروی‌ها با اعتقاد قلبی و برای خرسندی مردم خراسان از این سیاست استفاده می‌کردند؛ که با هدف نفوذ بیش‌تر بر مناطقی از ایران بویژه در خراسان، به بازگشایی کنسول‌گری‌هایی اقدام کردند تا در قالب این مؤسسات، بتوانند با آرامش خاطر بیش‌تر بر خراسان تسلط یابند.

نیروهای شوروی با حضور چهارسال و پنج‌ماهه‌ی خود در خراسان، موجب بسیاری ناهنجاری‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی و پزشکی شدند. از نخستین روزهای ورود ارتش شوروی به خراسان، آتش هرج‌ومرج و شورش و طغیان و ناامنی در مناطق شرقی و شمالی خراسان شعله‌ور گردید و ارزاق عمومی از جمله نان کم‌یاب شد و مردم دچار مشکلات زیادی شدند. کارخانه‌های زیادی تعطیل شد و بسیاری از عملیات‌های عمرانی ناکام ماند. با وجود این مشکلات، وضع پزشکی و سلامت هم دچار مشکلات بی‌شماری گردید. ایران و بویژه خراسان با بیماری‌های گوناگونی از جمله تیفوس، تیفوئید، دیسانتری^۱، سیاه‌زخم، مالاریا و ... آشنا شدند. لازمه درمان چنین بیماری‌های خطرناکی، وجود بیمارستان‌ها و مؤسسات بهداشتی بود که شوربختانه و برخلاف انتظارات جامعه، شمار بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی و داروخانه‌ها بسیار کم بود. در برخی شهرستان‌ها، حتی یک مرکز درمانی هم وجود نداشت و به ازای جمعیت هر شهر و شهرستان، پزشکان انگشت‌شماری حضور داشتند.

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ادیب هروی، محمدحسن (۱۳۲۶). *الحدیقه الرضویه*. مشهد: خراسان.
- ارجمند، محمد (۱۳۸۵). *شش سال در دربار پهلوی: خاطرات محمد ارجمند سرپرست تلگرافخانه مخصوص رضاشاه*. تهران: پیکان.
- استوارت، ریچارد (۱۳۷۰). *در آخرین روزهای شاه*. ترجمه کاوه بیات. تهران: نشر نو.
- اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳). *جنگ جهانی در ایران*. ترجمه حسین نجف‌آبادی فراهانی. تهران: نوین.
- امجد، محمد (۱۳۸۰). *ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری*. تهران: باز.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱). *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی*. تهران: صدای معاصر.
- الهی، حسین (۱۳۸۰). *روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _____ (۱۳۸۲). *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آنها در خراسان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- بقیعی، غلامحسین (۱۳۷۳). *انگیزه*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- بلیک، کریستین (۱۳۹۴). *روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱*، روایتی جدید از رویارویی آمریکا و شوروی در ایران. ترجمه علی باقری دولت‌آبادی و حوریه دهقان. تهران: مخاطب.
- پورشافعی، مجید (۱۳۸۵). *اقتصاد کوچه*. تهران: گام نو.
- تبرائیان، صفاءالدین (۱۳۷۱). *ایران در اشغال متفقین*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تفرشیان، ابوالحسن (۱۳۶۷). *قیام افسران خراسان*. تهران: اطلس.
- جابانی، محمد (۱۳۶۳). *سرزمین و مردم قوچان*. مشهد: اطلس.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۷). *تقویم تاریخ خراسان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- رادمنش، محمد کاظم (۱۳۹۰). *فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آمریکایی‌ها در مشهد*. مشهد: مشهد: سخن گستر.
- رامین نژاد، رامین (۱۳۹۰). *تاریخ لشکر خراسان*. مشهد: آهنگ قلم.
- رجبی، نجیب‌الله؛ دهقان پور، مریم (۱۳۹۴). *تاریخ خراسان جنوبی*. تهران: شهر آشوب.
- روحانی، علیرضا؛ ایزدی‌زاده، ابوالفضل (۱۳۸۹). *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*. ج ۳. تهران: ریاست جمهوری، مرکز پژوهش و اسناد.
- سعادت‌تی، حسین (۱۳۸۳). "تأثیرات و پیامدهای جنگ جهانی دوم بر استان خراسان". پایان-نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۳). *زورآباد جام*. مشهد: محقق.
- شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۵). *اترک‌نامه (تاریخ جامع قوچان)*. تهران: امیرکبیر.
- شجاعی دیوکلائی، سیدحسن (۱۳۸۹). "پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی در ایران". *تاریخ ایران*، ش ۷، شماره پیاپی ۶۵/۵ (تابستان): ۱-۱۵.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۲). *رضاشاه، قشون متحدالشکل*. تهران: جاویدان.
- فیاض، عبدالمجید (۱۳۸۱). *از باغ قصر تا باغ آرزوها*. تهران: کویر.
- لنزوسکی، جورج (۲۵۳۶). *رقابت روسیه و غرب در ایران*. ترجمه اسماعیل رائین. تهران: جاویدان.
- ماهوان، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشهدالرضا*. مشهد: ماهوان.
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۹۲). *تاریخ معاصر مشهد، پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌ها.
- محمدی، ایرج؛ کریمی، حجت‌الله (۱۳۹۰). *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*. ج ۵. تهران: خانه کتاب.
- مقیمی، محمداسماعیل (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی شیروان*. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.

- منصوری، پروین (۱۳۸۴). تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مهدی‌زاده، مهناز؛ جوادی، حسین (۱۳۹۱). فردوس، خورشیدی بر تارک کویر. مشهد. سخن-گستر.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۷۳). وقایع خاور ایران. مشهد: اردشیر.
- میلسپو، آرتور (۱۳۷۰). آمریکایی‌ها در ایران. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: البرز.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۵). تاریخ معاصر ایران از چهارم اسفند ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ۱۳۲۰. تهران: فروغی.
- همتی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). "فعالیت حزب توده در خراسان تا سال ۱۳۳۲". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.

روزنامه‌ها

- روزنامه آزادی، شماره ۱۹۷۲، دوشنبه، ۷ مهر ۱۳۲۰.
- _____، شماره ۱۹۷۴، دوشنبه، ۱۴ مهر ۱۳۲۰.
- _____، شماره ۱۹۷۵، جمعه، ۱۸ مهر ۱۳۲۰.
- _____، شماره ۱۹۷۶، چهارشنبه، ۲۳ مهر ۱۳۲۰.
- _____، شماره ۱۹۹۲، پنج‌شنبه، ۲۰ آذر ۱۳۲۰.
- _____، شماره ۲۰۲۱، فروردین ۱۳۲۱، ۲.
- _____، شماره ۲۰۶۹، پنج‌شنبه، ۲۶ شهریور ۱۳۲۱.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۴۳۵۱، ۳/۱۰/۱۳۱۹.
- روزنامه بانک ملی ایران، شماره ۶۳، سال دهم، آبان و آذر ۱۳۲۱.
- _____، شماره ۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۲۳.
- _____، شماره ۷۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۴.

- روزنامه دادگستران، سال اول، شماره ۱۱، سه شنبه، ۸ فروردین ۱۳۲۳.
- راستی، شماره ۸۳، دوشنبه، ۱۰ بهمن ۱۳۲۲.
- _____، شماره ۱۰۲، یکشنبه، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۳.
- _____، شماره ۱۰۴، چهارشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۳.
- _____، شماره ۲۰۷، پنج شنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۴.
- _____، شماره ۳۱۰
- ندای خراسان، شماره شماره ۷، پنج شنبه، ۱۱ مهر ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۹۰، سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۲۶.
- نور خراسان، شماره ۱۸۰، ۲۵ شهریور ۱۳۲۴.

مصاحبه‌ها

- فیاض، عبدالمجید، تاریخ مصاحبه ۱۳۵۷/۱۱/۸.
- همتهی استاد، برات، تاریخ مصاحبه ۱۳۸۹/۱۰/۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی